




Examining the Characteristics of Extremist Nationalism in a Religious Society from the Perspective of Ayatollah Khamenei

Gholamreza Jamshidiha

Professor of Islamic Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.


Gjamshidi@ut.ac.ir

 0000-0003-4639-5346

Mohammad Javad Ghorbi

Master's student of Islamic thought, University of Tehran, Tehran, Iran.

Ghorbi68@yahoo.com

 0009-0007-2235-997x

Abstract

Extremist nationalism, as one of the strategic threats within a religious society, has generated numerous adverse consequences for Islamic communities—prompting leaders of the Islamic Revolution to warn against its destructive implications for the Islamic Ummah, particularly for Iranian society, and to call for avoidance of ethnic and sectarian extremism. In this context, Ayatollah Khamenei, in his statements, messages, and speeches delivered on various occasions, has examined multiple dimensions of this phenomenon, providing what may serve as a roadmap for Islamic society in confronting the threat of ethnic nationalism. This article, employing a descriptive–analytical method and library-based research, seeks to answer the following question: What conceptual meaning does nationalism hold in the thought of Ayatollah Khamenei, and what are its consequences and strategies for confronting it? The primary source of the study consists of his collected statements and speeches. Among the findings, it is indicated that Ayatollah Khamenei endorses a form of positive nationalism grounded in piety, faith, and religious sentiment. Conversely, he rejects any activities centered on blood, race, or language that provide fertile ground for extremist nationalism. He maintains that factors such as political mismanagement within Islamic nations, dependent intellectual elites, and neglect of Islamic solidarity can intensify the threat of nationalism. Accordingly, he emphasizes the necessity of political insight, ethnic pluralism, national unity, a return to Islam and its teachings, and the strengthening of both religious and national dignity as mechanisms for containing extremist nationalist tendencies.

Keywords: Nationalism; Ayatollah Khamenei; Extremist nationalism; Religious faith; Ethnic pluralism; Division; Dependent intellectuals.



مقاله پژوهشی**بررسی مختصات ناسیونالیسم افراطی در جامعه دینی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای****غلامرضا جمشیدیها**

استاد، گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Gjamshidi@ut.ac.ir

id 0000-0003-4639-5346

محمد جواد قربی

کارشناس ارشد اندیشه سیاسی اسلام، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Ghorbi68@yahoo.com

id 0009-0007-2235-997x

چکیده:

ناسیونالیسم و ملی‌گرایی افراطی به‌مثابه یکی از تهدیدات راهبردی در جامعه دینی، پیامدها و تبعات منفی زیادی را برای جوامع اسلامی به همراه داشته است؛ تا جایی که رهبران انقلاب اسلامی نسبت به تبعات مخرب آن برای امت اسلامی و علی‌الخصوص جامعه ایرانی هشدار دادند و همگان را به دوری از افراط‌گرایی قومی و مذهبی توصیه نمودند. در این میان، آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات، پیام‌ها و سخنرانی‌های خویش در مناسبت‌های مختلف، ابعاد مختلفی از این پدیده را بررسی نموده‌اند که می‌تواند نقشه راه جامعه اسلامی در برابر تهدید قوم‌گرایی باشد. از این رو، مقاله حاضر تلاش دارد با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات کتابخانه‌ای به این سؤال پاسخ دهد که: ناسیونالیسم در اندیشه و آراء آیت‌الله خامنه‌ای دارای چه بار مفهومی است و پیامدها و راهبردهای مقابله با آن کدامند؟ مرجع این مقاله نیز مجموعه بیانات و سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای است و برخی از یافته‌ها نشان می‌دهند که ایشان با ملی‌گرایی مثبت که مبتنی بر تقوا، ایمان و احساسات دینی است، موافق هستند و در نقطه مقابل، هرگونه فعالیت‌های مرتبط با خون، نژاد و زبان که بستر ساز ناسیونالیسم افراطی است را رد می‌کنند و اعتقاد دارند بسترهایی نظیر بی‌تدبیری سیاسی ملت‌های اسلامی، روشنفکران وابسته و بی‌توجهی نسبت به همبستگی اسلامی می‌توانند تهدید ناسیونالیسم را چند برابر سازند. از این رو آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارد باید از طریق بصیرت سیاسی، کثرت‌گرایی قومی، یکپارچگی ملی، بازگشت به اسلام و آموزه‌های دینی، تقویت عزت دینی و ملی به مهار گرایش‌های ملی‌گرایی افراطی پرداخت.

واژگان اصلی: ناسیونالیسم، آیت‌الله خامنه‌ای، ملی‌گرایی افراطی، ایمان دینی، کثرت‌گرایی قومی، تفرقه، روشنفکران وابسته.



دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0

Doi: 10.22034/irsj.2025.503840.1105

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله است و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

۱. مقدمه و بیان مسئله

ملیت^۱ در قرن بیستم از مفاهیم اصلی علوم اجتماعی به شمار رفته و تا امروز به صورت موضوعی اساسی در مطالعه و پژوهش‌های کاربردی باقی مانده است. برخی اندیشمندان حوزه ملی‌گرایی اعتقاد دارند ملت در جهان امروز به‌عنوان مردم یک کشور با حدود جغرافیایی و مرزهای شناخته شده بین‌المللی اطلاق می‌گردد و این حق را نیز دارد تا خویش را به صورت یک دولت متجلی نماید و به‌عنوان مهم‌ترین واحد سیاسی تلقی شود. صرف نظر از معیارهای ملت و یا دولت ملی، اکثر انسان‌شناسان، مفهوم مدرن ملیت را در مقایسه با مفهوم قومیت که نوعی پنداشت و باور عمومی به گذشته‌ای مشترک در فرآیند زمانی طولانی است، یک مفهوم عمدتاً ابداع شده می‌دانند، چه، پیش از پیدایش آگاهی ملی جدید، آنچه در میان گروه‌های بشری شایع بوده، آگاهی قومی بوده است. آگاهی قومی بیشتر جنبه آگاهی به تعلق فرهنگی داشته تا تعلق به ملت و دولت ملی جدید. با انحطاط امپراتوری عثمانی و از بین رفتن تدریجی نظام استعماری کهن، ناسیونالیسم^۲ (ملت‌گرایی) و ملیت‌سنایی مدرن تحت تأثیر نهضت‌های انقلابی و ملی وارد مرحله جدیدتری در قرن بیستم شد که در نتیجه آن، مناقشه‌ای ایدئولوژیک میان قومیت، ملیت و اسلام پدید آمد. در واقع آنچه در جهان امروز اهمیت دارد نوع مدیریتی است که بتواند با ایجاد پیوند میان قومیت و ملیت از یکسو و استفاده از ابزارهای موجود فراملی از سوی دیگر در راستای تحقق آرمان توحیدی وحدت اسلامی گام بردارد. بی‌شک نظام جمهوری اسلامی ایران در پرتو انقلاب اسلامی موجب شد تا بسیاری از مفاهیم اصیل اسلامی احیاء و امت اسلام هویت اسلامی خود را باز یابد (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۲-۱) و در عین حال، مفاهیم تفرقه‌انداز و افراطی را مورد انتقاد قرار داد؛ به‌گونه‌ای که جامعه جهانی را نسبت به پیامدها و تبعات مخرب و ویرانگر ناسیونالیسم افراطی و منفی آگاه ساخت. با وجود پیشینه قوی ملی‌گرایی در ایران، وجود عواملی چون؛ وقوع انقلاب اسلامی، رهبری مذهبی امام خمینی (ره) و برجسته بودن عامل مذهب، اسلام‌گرایی پس از انقلاب اسلامی به

1. Nationality

2. Nationalism

همراه رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای، زمینه‌های کمرنگ شدن نقش ملی‌گرایی و ناسیونالیسم در وجه منفی آن فراهم شده است تا جایی که با فرض وجود عدم تقابل صرف میان این دو جریان فکری و پذیرش ناسیونالیسم مثبت، متعادل و غیرافراطی؛ همچنین تأکید بر اصل وحدت امت‌ها به جای ناسیونالیسم در اندیشه‌های اسلامی و اهمیت امت (که مطلوب جامعه اسلامی است) از انترناسیونالیسم اسلامی^۱ به‌منابه ایدئولوژی موافق با آموزه‌های اسلامی، استقبال می‌شود (شهرام نیا و نظیفی، ۱۳۹۲: ۱۹۷). از آنجایی که اسلام در مقام ناسیونالیسم وابسته به سرزمین یا دولت نیست (Sami, 2004)؛ خیلی از متفکران اسلامی و حتی رهبران جهان اسلام به نقد و بررسی پیامدهای این نظریه برای جهان اسلام و جامعه جهانی پرداختند. یکی از رهبران جهان اسلام که مخالف جریان ناسیونالیسم افراطی است، آیت‌الله خامنه‌ای است که در بیانات و اندیشه‌های خود، موضعی صریح علیه جریانات منفی ملی‌گرایی و قوم‌مداری افراطی داشته‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی و بیانات خود، گونه‌های مختلف ناسیونالیسم و مشکلات آن‌ها را برای جهان اسلام توصیف کرده‌اند و تلاش داشتند مفهوم منفی و مثبت ملی‌گرایی را برای جامعه ایرانی و امت اسلامی تبیین و تشریح نمایند. با توجه به اهمیت مذاقه در زمینه ناسیونالیسم در جهان اسلام، این نوشتار مترصد تبیین ناسیونالیسم افراطی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای است.

۲. اهداف و سؤالات پژوهش

مقاله حاضر سعی دارد برای تبیین پدیده ناسیونالیسم، به آراء آیت‌الله خامنه‌ای رجوع نماید و با تحلیل بیانات ایشان پیرامون ناسیونالیسم و ملی‌گرایی، مختصات این ایدئولوژی و نظریه را به‌خوبی مورد مذاقه قرار دهد. با مطالعات کتابخانه‌ای سعی می‌شود تا به سؤالات زیر پاسخ داده شود؛

(۱) ناسیونالیسم در اندیشه و آراء آیت‌الله خامنه‌ای دارای چه بار معنایی و رویکردهایی است؟

1. Islamic internationalism

(۲) بر اساس اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، ناسیونالیسم شامل چند دسته (الگو)

است؟

(۳) بسترهای رشد ناسیونالیسم افراطی در جامعه دینی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

کدام‌اند؟

(۴) تهدیدات ناسیونالیسم افراطی برای جامعه دینی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای شامل چه

مواردی می‌شود؟

(۵) آیت‌الله خامنه‌ای چه راهبردهایی برای مقابله با تهدیدات ناسیونالیسم افراطی در

جهان اسلام ارائه می‌دهند؟

۳. پیشینه پژوهش

افتخاری و همکارانش (۱۳۹۳) در مقاله مشترکی با عنوان «ناسیونالیسم و هویت ملی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» ساخت دو لایه‌ای را در تحلیل هویت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای شناسایی نموده‌اند و با استفاده از این الگو نسبت به تبیین مناسبات بین هویت ملی و هویت اسلامی اقدام نموده‌اند (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۳-۱۹). پژوهش دیگری با عنوان «ناسیونالیسم از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» توسط مهدی فیضی‌سرخا تلاش گردیده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند وجوه افراطی این ایدئولوژی، تأکید بر اشتراکات قومی، زبانی، خونی و... است که به دور از احساسات دینی و معنویت‌گرایی است (فیضی‌سرخا، ۱۳۹۷: ۱۲۵-۸۹). ملک‌زاده در مقاله پژوهشی «ضابطه‌مندی قاعده تراحم در منافع ملی با مصالح امت اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای» نتیجه می‌گیرد می‌توان بر اساس اعتقاد به سه مقوله هماهنگی منافع ملی با مبانی نظری اسلام، هماهنگی منافع ملی با هویت ملی و هماهنگی منافع ملی با اهداف فراملی، نفی ذاتی تراحم میان منافع ملی با مصالح اسلامی را نتیجه گرفت (ملک‌زاده، ۱۴۰۱: ۲۹۲-۲۷۱). پژوهشی مشترک با عنوان «مؤلفه‌های هویت سیاسی در گفتمان مقام معظم رهبری» در نشریه مطالعات منافع ملی توسط غیاثوند و صادقی منتشر شده است که تأکید دارند در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، گرایش‌های منفی و مثبت در بحث ملی‌گرایی منجر شده است دو نوع ناسیونالیسم را مطرح نمایند و در مقاله به تشریح این دو گونه ملی‌گرایی پرداختند

(شمسینی غیاثوند و صادقی، ۱۳۹۵: ۹۴-۷۵). «هویت ملی ایرانی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای» پژوهشی به قلم سعید زاهد زاهدانی است و نتیجه می‌گیرد آیت‌الله خامنه‌ای از زاویه سیاست‌گذاری اجتماعی به مسئله هویت می‌نگرند و خمیرمایه اصلی هویت ملی ایرانیان را دین اسلام در نظر می‌گیرند و به زبان فارسی، شعر و خط اهمیت می‌دهند (زاهد زاهدانی، ۱۴۰۲). کافی در مقاله «بررسی پیوند کلیدواژه‌های هویت و هنر در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای» چنین نتیجه‌گیری کرده است که هویت ملی و دینی در این دیدگاه هم‌سویی قابل توجهی دارند و منافع ملی، فقط در راستای هویت ملی تعریف می‌شوند. هویت فرهنگی اشراف بلامنازع بر سایر گونه‌ها دارد و هویت انقلابی زبان هویت‌های ملی، دینی و فرهنگی است (کافی، ۱۴۰۳). به غیر از منابع مورد اشاره بالا، مقالات و آثار پژوهشی متنوعی در حوزه هویت ملی و دینی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در قالب‌های کتاب، پایان‌نامه، مقاله پژوهشی و طرح‌های راهبردی نگارش شده است ولی تبیین دیدگاه ایشان نسبت به ناسیونالیسم افراطی مورد غفلت بوده است و کمتر به این بعد از اندیشه ایشان توجه شده است.

۴. چارچوب مفهومی و نظری؛ ناسیونالیسم

۴-۱. بررسی لغوی ناسیونالیسم

نگرش‌های مختلف نسبت به مقوله ناسیونالیسم وجود دارد (Kundra, 2019) و از منظر ریشه‌شناختی، رابطه معناداری با مراقبت از مردم داشته و بر میهن‌پرستی تمرکز می‌کند. دشواری‌های روش‌شناختی تعریف ناسیونالیسم ناشی از تنوع جلوه‌های اجتماعی و فرهنگی است که آن را به‌عنوان یک ایدئولوژی، جنبش سیاسی، راهنمای معنوی و یک عقیده سیاسی در نظر می‌گیرند (Storozhuk, 2014). بر اساس فرهنگ لغات سیاسی، ناسیونالیسم نوعی آگاهی جمعی است؛ یعنی آگاهی به تعلق به ملت که آن را آگاهی ملی می‌خوانند. آگاهی ملی، اغلب پدیدآورنده حس وفاداری، شور و دل‌بستگی به عناصر تشکیل‌دهنده ملت است و گاه موجب بزرگداشت مبالغه‌آمیز از آن‌ها و اعتقاد به برتری این مظاهر بر مظاهر ملی دیگر ملت‌ها می‌شود (آشوری، ۱۳۸۴: ۳۱۹). در کتاب مکتب‌های سیاسی آمده است؛ «ناسیونالیسم بر انطباق کشور یا ملت با مردم یا حداقل

اشتیاق و علاقه به تعیین حدود کشور بر طبق گروه قوی آن دلالت دارد.» (اقبال، ۱۳۸۷: ۱۸۹). انگیزه‌های موجود در محور سیاست قومی و ناسیونالیسم افراطی، شامل آمیزه‌ای از شکوه‌ها، احساسات، همبستگی، آرزوها و محاسبات می‌شوند (برنل و رندال، ۱۳۸۷: ۱۲۰). «الی کدوری» اذعان می‌دارد ناسیونالیسم خواهان این است که بتواند پایه‌های یگانگی جمعیت را برای بهره‌مند شدن از دولت ویژه خود، به‌منظور کاربرد قدرت در کشور و برای حق سازمان‌دهی جامعه دولتی، روشن نماید (طالع، ۱۳۸۹: ۹-۸).

ناسیونالیسم در لغت (ترکیب شده از دو کلمه) یکی به معنای ناسیون یعنی متولد شدن گروهی از مردم در یک مکان است و دوم ایسم به معنی شناختن است. این دو معنا تداعی‌گر ایدئولوژیک بودن ناسیونالیسم است؛ و در اصطلاح عقیده‌ای است که تا حد ممکن مرزهای ملت (که حافظه تاریخی مشترک، زبان مشترک، فرهنگ و آداب رسوم مشترک و سرزمین مشترک و مانند این‌ها را در برمی‌گیرد) با مرزهای دولت منطبق باشند و ملت سرنوشت خود را در دست داشته باشد و دولت ملی مهم‌ترین سازمان سیاسی آن باشد. تعریف دیگری که از ناسیونالیسم وجود دارد این است که ناسیونالیسم ایدئولوژی است که دولت ملی را عالی‌ترین شکل سازمان سیاسی می‌داند و مبارزه‌های ملت باورانه بر ضد چیرگی بیگانه، برای پاسداری از چنین ملتی است. بنابراین رشد ملت باوری باعث شد که اصل حاکمیت ملی شناخته شود (آشوری، ۱۳۸۴: ۳۲۰-۳۱۹).

۴-۲. بررسی مفهومی ناسیونالیسم

سیر آکادمیک ناسیونالیسم به مرحله‌ای رسیده است که اجماع فعلی بر آن است که ملت‌ها پدیده‌هایی اجتماعی و مشروط به تاریخ هستند. ملت‌ها و ناسیونالیسم دارای شخصیتی چندوجهی هستند که ویژگی‌های خاص، ذهنی و نسبی از ویژگی‌های تعریف‌کننده آن‌ها هستند و این نشان می‌دهد که یک توضیح واحد و جهانی از ناسیونالیسم نه‌تنها امکان‌پذیر نیست و بلکه از نظر اخلاقی مطلوب نمی‌باشد. از این‌رو، برای درک تکثر و تنوع ملت‌ها و ناسیونالیسم و نحوه تلاقی عناصر این چندبعدی، لازم است که آن‌ها را به‌عنوان پدیده‌هایی بی‌پایان، ناپایدار، پراکنده، متغیر، خاص و مشروط در نظر گرفت (Dar, 2022). ناسیونالیسم عمدتاً بر منشأ نژادی ملت‌ها تأکید می‌ورزد (خانلری، ۱۳۹۱) و عمدتاً ملت را در برابر

یک ایدئولوژی قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که برداشت‌های افراد از آن ایدئولوژی (ناسیونالیسم) متفاوت است (بالیار، ۱۳۹۶: ۲۰). اندیشه‌ی ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی از مفاهیم و مبانی اندیشه‌ی تجدد به شمار می‌آیند و پیدایش این گفتمان در اروپا تحت تأثیر زمینه‌های ذهنی، تحولات سیاسی و اجتماعی و انقلاب‌های دموکراتیک به‌ویژه انقلاب کبیر فرانسه بوده است (علیزاده، ۱۳۹۱: ۷۱)؛ بنابراین، ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم، ایدئولوژی برخاسته از مفهوم مدرن ملت است. ملت جمعی از مردم است که در یک یا چند قطعه زمین تحت یک حکومت زندگی می‌کنند و به‌نوعی به هم پیوستگی و همبستگی دارند. نیروی حیاتی پیونددهنده‌ی ملت از احساس تعلق قوی به دین، تاریخ، فرهنگ، زبان و غیره نشأت می‌گیرد. این یگانگی وحدت میان افراد یک ملت باعث می‌شود تا افراد منافع فردی و شخصی را در قبال مصلحت مشترک نادیده بگیرند. عنصر اصلی ناسیونالیسم حاکمیت ملی (مشمول: حاکمیت سیاسی، استقلال و قدرت سیاسی) است (شهرام نیا و نظیفی، ۱۳۹۲: ۲۰۲-۲۰۱).

در ناسیونالیسم، سیاست از دین جداست و حاکمیت از ملت ناشی می‌شود (داوری اردکانی، ۱۳۶۵: ۳۷) و بر همین اساس می‌توان اذعان کرد که ناسیونالیسم مثبت و عقلانی نیز گونه‌ای «احساس وفاداری به ملتی خاص یا قسمی از میهن‌پرستی» (فولادوند، ۱۳۷۷) و «حفظ موجودیت ملت» (عاملی، ۱۳۷۷: ۸) است. در تعریفی دیگر، ناسیونالیسم به معنای آئین اصالت دادن به ملت و ملیت‌گرایی در نظر گرفته شده است (ترابی، ۱۳۸۷: ۲۶). به اعتقاد «بیلینگ» ناسیونالیسم یک ایدئولوژی است که از هر ملتی به‌صورت یک واحد حفاظت می‌کند و دائماً از طریق فعالیت‌های سمبلیک نیز بازتولید می‌شود (هاشمیان‌فر و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۵) ولی ناسیونالیسم قومی و افراطی موجب تضعیف هویت ملی می‌شود و با توجه به اینکه در بدترین وضعیت، خواهان استقلال‌طلبی است، ممکن است حتی تمامیت ارضی کشور به مخاطره بیفتد (جلایی پور و نظرعباسی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). در نگرشی عام‌تر، مهم‌ترین معیار ناسیونالیسم نیز ایجاد یکپارچگی در جامعه است که به‌وسیله آن می‌تواند از اجتماعات دیگر متمایز شود (سیاوشی، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

۴-۳. نگرش تاریخی پدیده ملی‌گرایی

از منظر تاریخی باید اذعان داشت ملی‌گرایی، ملیت، نژادپرستی و تعلق به قوم و قبیله و نژاد، بحث جدید و نویی نیست؛ بلکه ریشه در پیدایش انسان دارد؛ اما به‌صورت یک ایدئولوژی مدون در حکومت، از زمان پیدایش عصر نوزایی و مطرح شدن تفکرات اومانیستی به منصفه ظهور رسید. یکی از وجوه و دستاوردهای تفکرات اومانیستی، ملی‌گرایی است. این حرکت از اروپا آغاز گردید و کم‌کم به افراط گراییده، به حربه‌ای برای تسخیر جهان تبدیل گردید و منجر به ظهور حکومت‌های نازیسم در آلمان و فاشیسم در ایتالیا شد. این سیر تفکر اومانیستی نه‌تنها در اروپا رشد پیدا کرد، بلکه استعمار انگلیس برای به دست آوردن منافع و مطامع خود، در کشورهای جهان سوم، به‌ویژه جهان اسلام این اندیشه را ترویج نمود. این حرکت زمانی در جهان اسلام ظهور و نمود سیاسی و تشکیلاتی پیدا کرد که انگلیس کمر همت به نابودی دولت عثمانی بست و برای این کار مزدوران بومی خود را در این کشورها به مدد گرفت و به آنان وعده ریاست و حکومت و جاه و مقام داد (غروی‌ان و قوامیان، ۱۳۸۰: ۱۰۴). زوال فزاینده امپراطوری اسلامی عثمانی و ایران، باعث ظهور ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی رقیبی شد که هویت نژادی و زبانی داشتند. در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا سه نوع ناسیونالیسم ترکی، ایرانی و عربی به جای امت اسلامی ظهور کرد. هر سه الگو که با اصول سکولاریسم، لائیسیم، شونیسیم یا ملی‌گرایی افراطی و یا شبه‌مارکسیسم و تفاسیر سوسیالیستی از اسلام درهم‌آمیخته و آتاتورک، سلسله پهلوی و جمال‌عبدالناصر در ترکیه، ایران و مصر داعیه‌دار آن بودند در طول زمان نارسایی خود را در اداره جامعه و تحقق شعارهای خود نمایان ساخته و یکی پس از دیگری به شکست انجامیده بودند. همچنین تلاش‌هایی که در قالب سوسیالیسم انقلابی، لیبرالیسم غربی انجام شد نیز نتوانستند به الگوهایی موفق برای حکومت‌داری در خاورمیانه مبدل شوند و سرانجام در طول سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی، شیوه اسلامی به‌عنوان جانشینی پرقدردت و مهم جلوه‌گر شد. در حقیقت اسلام‌گرایان در تعیین چارچوب گفتمان سیاسی موفق شدند و ایدئولوژی‌های غیرمذهبی مانند ناسیونالیسم، سوسیالیسم و لیبرالیسم دموکراتیک را از صحنه حذف کردند. به گفته برنارد لوئیس معدود کشورهایی نیز که پس از شکست سوسیالیسم و ناسیونالیسم هم‌اکنون با الگوی ترکیب

سوسیالیسم ملی اداره می‌شوند، در هر آزمونی جز آزمون بقا شکست خورده‌اند. شکست‌هایی که از آن‌ها به‌عنوان زمینه‌های رشد، نمو و بازگشت به اندیشه‌های اسلامی می‌توان یاد کرد (اخوان کاظمی و مشتاقی، ۱۳۹۲: ۳۶-۳۵ و دکمجان، ۱۳۷۷: ۳۷۹).

۵. روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت این تحقیق، از روش تحلیلی-توصیفی برای پاسخ به سؤال پژوهش بهره گرفته می‌شود. برای تبیین اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، به مجموعه سخنرانی‌ها، بیانات و پیام‌های ایشان رجوع می‌شود. علاوه بر این مجموعه، از کتب، مقالات و نوشتارهای مرتبط با ناسیونالیسم برای غنای پژوهش بهره گرفته می‌شود. قلمرو این پژوهش از حیث زمانی نیز شامل دوران زعامت آیت‌الله خامنه‌ای است و از منظر جغرافیایی، جهان اسلام را شامل می‌شود. قلمرو موضوعی این پژوهش، بررسی پیامدهای ناسیونالیسم و راه‌های مهار آن در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای است. در راستای انجام پژوهش حاضر از مدل پژوهشی فیضی‌سنا (۱۳۹۷) برای تبیین مختصات ناسیونالیسم در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بهره گرفته شده است. در الگوی مزبور بعد از مفهوم‌شناسی و تبیین رویکردهای مربوط به ملی‌گرایی، تلاش می‌شود دیدگاه و آراء آیت‌الله خامنه‌ای ارائه شود و بعد از تشریح مواضع ایشان، مختصات ناسیونالیسم در جهان اسلام از منظر گونه‌ها (دو گونه)، بسترهای شکل‌گیری ملی‌گرایی افراطی، تهدیدات چندگانه ناسیونالیسم منفی برای جهان اسلام و راهبردهای مقابله با این تهدید ارائه می‌گردد.



شکل ۱: الگوی پژوهش تبیین ناسیونالیسم افراطی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

۶. یافته‌های پژوهش؛ بررسی ناسیونالیسم از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

۱-۶. بررسی مفهوم ناسیونالیسم

ناسیونالیسم مترادف ملت‌خواهی خواهد بود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۴/۰۷/۲۲) و در این میان، ناسیونالیسم منفی یا افراطی را در برخی از کشورهای مادی و به‌ظاهر پیشرفته جهان نیز مترادف تعصب‌های گروهی و حزبی و احیاناً قوم‌گرایی می‌دانند. مذاقه در بیانات ایشان نشان می‌دهد که علایق ملی و احساسات یکی دیگر از بارهای معنایی ناسیونالیسم است (فیضی‌سختا، ۱۳۹۷: ۱۰۳-۱۰۲؛ خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۹/۰۶/۰۱).

ناسیونالیسم منفی بر جنبه‌های قومی، زبانی، خونی و... به همراه افسانه‌ها و تصورات غلط نسبت به اقوام تأکید دارد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۲/۱۲/۲۲) و مبتنی بر احساسات غیرمنطقی و غیرعقلانی است و حتی منجر به فداکاری و جان‌فشانی‌های بی‌نتیجه در راستای اهداف مادی ساده‌انگارانه می‌شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۰/۰۷/۲۴). ایشان در یکی از بیانات انتقادی خویش پیرامون احساسات عبث برخی از ناسیونالیست‌های مادی‌گرا بیان می‌دارند؛ «بعضی‌ها یک احساساتی دارند، مثلاً: احساسات ناسیونالیستی. این احساسات ناسیونالیستی او را وادار به یک حرکت و تلاش فراوان می‌کند تا آنجا که جان خودش را هم از دست می‌دهد، لکن این احساسات است، منطقی و عقلانی نیست. اگر از

یک آدم مادی که در راه وطن، خودش را دارد فدا می‌کند، آن وقتی که در بحبوحه و تنور احساسات می‌گدازد یک نفر او را بکشد کنار و بگوید: آقا شما چرا خودت را از دست می‌دهی؟! تو بمیری که چه شود؟! می‌خواهی تو بمیری که وطن زنده باشد! وقتی تو نیستی این وطن باشد یا نباشد چه فایده‌ای دارد؟ چرا و به چه جهت تو بمیری تا دیگری زندگی کند؟ البته این را مادی‌گرا اقرار نمی‌کند، بلکه اگر به مادی‌گرا بگوئید: در جواب هدف‌های عالی، وجدان و از این قبیل چیزها را می‌گوید لیکن این اعتراف را در گوشه و کنار سخنان هوشمندانشان می‌شود مشاهده کرد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۰/۰۷/۲۴؛ فیضی‌سنا، ۱۳۹۷: ۱۰۳-۱۰۲).

ایشان در خصوص تهی بودن محتوا و ذات ناسیونالیسم مادی و غرب‌گرا اذعان می‌کنند؛ «اگر ملتی همه چیز داشته باشد، اما انگیزه‌ی درونی و معنوی نداشته باشد، نمی‌تواند از موجودی‌های خود درست استفاده کند. برای همین است که در بعضی از کشورها برای اینکه انگیزه‌ای به مردم بدهند انگیزه‌ی ایمانی که نیست، انگیزه‌ی فکری و یک اندیشه‌ی حرکت‌ساز که نیست مجبورند حس ناسیونالیسم را، حس قوم‌گرایی را، حس وطن‌پرستی را در آن‌ها تقویت کنند تا شاید بتوانند خلأ آن انگیزه‌ی معنوی را پُر کنند. البته ملت ما به میهن خود و به گذشته‌ی تاریخ خود عشق می‌ورزد؛ زبان خود را به شدت دوست دارد؛ اما علاوه‌ی بر این‌ها یک انگیزه‌ی معنوی حقیقی نه جعلی و قراردادی دارد و آن ایمان است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۹/۰۸/۲۴).

ایشان در یکی از بیانات خویش اشاره می‌کنند؛

«مرتب می‌خواهند گرایش‌های منفی را رواج بدهند. ما هم گرایش‌های مثبت داریم، هم گرایش‌های منفی. گرایش مثبت این است که من خودم را وابسته‌ی به مجموعه‌ای می‌دانم. گرایش منفی یا نافی این است که وابستگی خودم را به معنای لگد زدن به دیگران بدانم؛ مثل ناسیونالیسم منفی یا نافی. ما ناسیونالیسم را به معنای مثبتش قبول داریم. هرکس باید به میهن خودش علاقه داشته باشد. مگر می‌شود کسی از میهن خودش دور باشد؟ ناسیونالیسم به این معنا چیز خوبی است؛ اما به این معنا که چون من اهل اینجا هستم، پس بایستی علیه همه‌ی ملت‌های دیگر توطئه کنم و بدخواه آنان باشم و علیه آنان

کید و مکر داشته باشم، این بد است؛ یعنی اثبات وابستگی من به اینجا، جزئیت من از خانواده‌ی عمومی و جهانی را نفی کند. معمولاً این ناسیونالیست‌ها، وقتی که گرایش ناسیونالیستی در یک جا خیلی قوی می‌شود، این‌طوری هستند. علی‌ای حال، توجه بکنید که این، آن را نقض نکند؛ یعنی در برنامه‌ها مورد توجه باشد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۹/۰۱/۲۶).

ناسیونالیسم غربی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، در تضاد با اسلام است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۰۲/۲۷) و آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که اهداف ناسیونالیست‌ها بسیار محدود و قومی است و جوامع اسلامی باید، فراتر از نگرش‌های قومی و قبیله‌ای، اهداف انسانی را مدنظر قرار دهند. از این‌رو، فرق میان ناسیونالیسم قومی و ناسیونالیسم به معنای حراست عقلانی از میهن و ملت‌ها، در اهداف آن‌ها است. به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای: «هر کشوری از کشورها، هدفشان به هدف‌های ناسیونالیستی و قومی محدود می‌شود، شما هدفشان یک هدف انسانی است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۰/۰۸/۰۸). دستاورد ناسیونالیسم قومی و افراط‌گرایانه در کشورهای اروپایی و آمریکایی، ناامنی و زدودن آرامش از جامعه بوده است؛ تا جایی که اقلیت‌های دینی و مذهبی با عدم اطمینان از شرایط موجود برخوردار هستند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۵/۰۶/۲۷؛ فیضی‌سنا، ۱۳۹۷: ۱۰۵-۱۰۳).

۶-۲. الگوهای ناسیونالیسم

«اندرو هیوود» در ریشه‌یابی و تکوین ملت و قومیت، نظریه متفکران را در دو دیدگاه طبقه‌بندی می‌کند. دیدگاه اول شامل نظریه‌پردازانی است که ملت‌ها را به‌مثابه جامعه‌های فرهنگی در نظر می‌گیرد. در این دیدگاه، ملت اساساً یک واحد فرهنگی (و قومی) است و این بعد فرهنگی، مفهوم مقدماتی و اصلی ملت توصیف می‌شود. هیوود بر محوریت زبان که به‌مثابه تجسم سنت‌ها و خاطره‌های تاریخی متمایز مردم است، تأکید می‌کند. هر ملتی روحی دارد که خود را در آواها، اسطوره‌ها و افسانه‌ها نشان می‌دهد و خاستگاه آفرینندگی مردم به شمار می‌رود. دیدگاه دوم شامل نظریه‌پردازانی می‌شود که ملت‌ها را به‌مثابه جامعه‌های سیاسی در نظر می‌گیرند. بدین معنی که ملت‌ها بیشتر از اینکه از بنیاد واحدهای فرهنگی باشند از واحدهای سیاسی هستند که روابط درونی آن‌ها بر اساس

پیوندها، وفاداری‌های مدنی و تعهدات سیاسی و در چارچوب یک حکمرانی مردمی است. در این دیدگاه، مردم، عنصری به نام شهروندی برابر و مشترک، با یکدیگر وابستگی و پیوند پیدا می‌کنند. بر مبنای دو دیدگاه نظری فوق و تجربه گرایش‌های ناسیونالیستی، هیوود بیش از چهار نوع ناسیونالیسم را برشمرد: ناسیونالیسم لیبرالی، محافظه‌کار، توسعه‌جو و استعمارستیز (جلایی پور و نظرعباسی، ۱۳۹۱: ۱۲۴-۱۲۳).

آیت‌الله خامنه‌ای ملت را به‌عنوان یک مجموعه واحد و یکی از سطوح هویت جمعی مطرح می‌نمایند. ایشان بر اساس گرایش‌های منفی و مثبت در بحث ملی‌گرایی، دو نوع ناسیونالیسم را مطرح می‌کنند؛ ناسیونالیسم مثبت و ناسیونالیسم منفی. در ناسیونالیسم منفی وابستگی به خود و جماعت خودی، همراه با گرایش‌های منفی و نفی دیگران است. در ناسیونالیسم مثبت، فرد خود را وابسته به کشور و ملتی خاص می‌داند و به میهن خود علاقه دارد، اما ملل و اقوام دیگر را نفی نمی‌کند. به‌عبارت‌دیگر فرد از ملیت و وابستگی خود احساس عزت و افتخار می‌کند و دارای اعتمادبه‌نفس است. آیت‌الله خامنه‌ای نه‌تنها ناسیونالیسم مثبت را بد نمی‌دانند بلکه چنین ملیتی را محترم دانسته است. آیت‌الله خامنه‌ای هویت دینی را برتر از ناسیونالیسم تلقی می‌کنند (شمسینی غیاثوند و صادقی، ۱۳۹۵: ۷۵).

آیت‌الله خامنه‌ای در تقسیم‌بندی دیگر، بیان می‌کنند؛ «در ایران ناسیونالیسم افراطی ایرانی‌مآبی، در کشورهای عربی، ناسیونالیسم افراطی عربی و در کشورهای ترک زبان، ناسیونالیسم افراطی ترکی را تقویت می‌کردند. در داخل این کشورها، هر جا اقلیتی وجود داشت، به تقویت ناسیونالیسم افراطی قومی آن اقلیت می‌پرداختند. فرض بفرمایید در داخل ایران، نسبت به بعضی از اقوام ایرانی، القانات و تلقین‌هایی می‌شد تا جنبه‌ی قوم‌گرایی آن‌ها، به شکل افراطی بروز کند. در کشورهای شمال آفریقا- در مصر و جاهای دیگر- بین بعضی از اقوام عرب که از زمان‌های گذشته در آن مناطق بوده‌اند، به تقویت شعارها و احساسات قومی خاص آن‌ها می‌پرداختند و وادارشان می‌کردند که حول آن محورها بگردند. هر جا اقلیت مذهبی بود، آن را تقویت می‌کردند؛ و هلمّ جرأ. تلاش‌هایی چنین را که در زمان سابق هم بود، بعد از انقلاب اسلامی در ایران، مضاعف و تقویت کردند؛ چون دیدند خورشید وحدت‌آفرین اسلام، درنهایت تالؤلؤ و گرمابخشی، در حال تابیدن بر دنیای

اسلام است؛ اما آن‌ها به این تلاش‌ها هم اکتفا نکردند و عناصری را وادار نمودند تا به ایجاد تفرقه بپردازند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۵/۱۱/۲۱). از این رو، ایشان بر اساس عملکرد بازیگران سیاسی و کشورها، ناسیونالیسم‌های ملی متنوعی را شناسایی می‌کنند و در عین حال، به خرده ناسیونالیسم‌های درون ملی هم اشاره می‌کنند که امکان ظهور و رشد در یک کشور را دارند که ناسیونالیست اقوام مختلف نیز یکی از این خرده ملی‌گرایی‌های افراطی هستند.

۶-۳. بسترهای رشد ناسیونالیسم در جامعه دینی

هواداران اسلام سیاسی اغلب اعلام کرده‌اند که ملیت یک مسلمان، ایمان اوست. بسیاری از این مسلمانان نیز ناسیونالیسم را به خاطر تفکیک جامعه‌ی اسلامی یا امت، به واحدهای جدا از هم تقبیح کرده و کاستی‌های آن را در مواجهه با رقبای مذهبی و تمدنی‌اش برشمردند (زبیده، ۱۳۹۳: ۱). در این میان، آیت‌الله خامنه‌ای، گسیختگی دنیای اسلام به دلیل احساسات ناسیونالیستی و فرقه‌ای را تجربه‌ای تلخ قلمداد می‌کنند که یکی از دردهای بزرگ جهان اسلامی محسوب می‌شود (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۵). از این رو، ایشان در بیانات، سخنرانی‌ها و پیام‌های مختلف خود برای امت اسلامی و جهان اسلام، همواره نسبت به تهدید ناسیونالیسم افراطی هشدار داده‌اند و دولت-ملت‌ها را به وحدت و همبستگی دعوت نموده‌اند؛ زیرا ناسیونالیسم را یک برنامه‌ریزی سیاسی توسط معاندان جهان اسلام می‌دانند که می‌تواند زوال تمدنی اسلام را به همراه داشته باشد و لزوم توجه به سیاست‌های قومی و مذهبی برای مهار پیامدهای ملی‌گرایی افراطی در کلام ایشان همواره مبرهن است. آیت‌الله خامنه‌ای اعتقاد دارند که به ازای هر ملتی می‌توان ناسیونالیسم ملی داشت و در عین حال، خرده ناسیونالیست‌هایی درون هر جامعه‌ای قابلیت رشد و نمو خواهد داشت که اگر دارای گرایش‌های منفی و افراطی باشند، می‌تواند زمینه‌ساز جنگ‌های داخلی، برهم خوردن توازن سیاسی و اجتماعی، تفرقه و اختلاف داخلی، تضعیف قدرت ملی، تشنج سیاسی در سطوح راهبردی و... شود. آیت‌الله خامنه‌ای اعتقاد دارد که برخی از بسترها و لوازم در کشورهای اسلامی، منجر به رشد روزافزون ناسیونالیسم می‌شوند که به شرح زیر می‌باشند؛

۶-۳-۱. غفلت و بی‌تدبیری سیاسی ملت‌ها

قدرت‌های استعماری، از غفلت شهروندان و عدم آگاهی و بینش صحیح سیاسی ملت‌های جهان، سوءاستفاده می‌نمایند و با ترفندهایی نظیر ناسیونالیسم، اهداف و مقاصد شوم و استعماری خود را پیگیری می‌کنند. در عین حال، با زرق‌وبرق‌های رسانه‌ای، بر طبل ملی‌گرایی افراطی می‌کوبند و تلاش دارند تا ملت‌ها را سرگرم نمایند تا از این طریق، دستیابی آن‌ها به منابع ملی سایر بازیگران سیاسی فراهم شود و در این مسیر، هیچ واکنش و اعتراضی از سوی ملت‌های غافل انجام نمی‌شود؛ اما این موضوع در جامعه ایرانی برعکس است و مردم از بینش صحیح و درک مسائل سیاسی برخوردار هستند و همین موضوع باعث می‌شود تا از دام تعصب‌گرایی قومی و اندیشه‌های افراطی ملی‌گرایی‌رهای یابند. به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای؛

«بشر امروز، در چارچوب تمدن‌های مادی دنیا و تحت تربیت مکتب‌های حاکم بر جهان، انسانی یک‌بعدی است. اگر سرگرم زندگی می‌شود، غالباً از معنویت غافل می‌گردد. دنیا را ببینید، لابد خواننده‌اید و شنیده‌اید که در کشورهای دور از معنویت- مثل بسیاری از جوامع اروپایی و غیر آن‌ها که البته بین این کشورها هم کم‌وبیش افراد اهل معنا هستند- نظام، نظام غیر معنوی و مادی است. در آنجا، مردم سرگرم زندگی و مادیت و تأمین شکم و رفاه‌اند و اصلاً از معنویت و ارتباط قلبی با خدا و توجه و ذکر و دعا و تضرع و گریه و نافله، یادشان نمی‌آید و در غفلت کامل- که بزرگ‌ترین بلا و آفت برای انسان است و او را از همه‌ی خیرات موجود محروم می‌کند- به سر می‌برند. وقتی مشغول شکم و اداره‌ی زندگی شخصی می‌شوند، حتی در میدان سیاست هم غافل‌اند. بیشتر مردمی که در کشورهای پیشرفته هستند، درک و تحلیل از مسائل سیاسی ندارند و دولت‌ها با تعصب‌های گروهی و حزبی و احیاناً قوم‌گرایی و ناسیونالیستی، آن‌ها را به این طرف و آن طرف می‌کشاند و در میدان‌های سیاست، از آن‌ها استفاده می‌کنند و اصولاً توده و عامه‌ی مردم، تحلیل سیاسی ندارند؛ اما در اسلام این‌گونه نیست. همین حالا در جامعه‌ی اسلامی ما، مردم تحلیل سیاسی دارند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۸/۰۹/۲۲).

ایشان در یکی دیگر از بیانات خویش تأکید دارند که کج‌فهمی‌ها، بی‌اطلاعی و عدم آگاهی صحیح، کمبود بصیرت سیاسی و بی‌تدبیری سیاسی ملت‌ها، بر نمو ناسیونالیسم کمک زیادی می‌نماید. به تعبیر ایشان؛ «در باب اتحاد و یگانگی مسلمین است که... از آغاز ورود استعمار اروپایی به کشورهای اسلامی، یکی از سیاست‌های قطعی استعمارگران، ایجاد تفرقه میان مسلمین بوده است. گاه با حربی اختلافات فرقه‌ای و گاه با ابزار ملی‌گرایی و قوم‌گرایی و گاه با غیر این‌ها. متأسفانه با وجود فریاد مصلحان و منادیان وحدت، این حربی دشمن، هنوز تا حدودی بر پیکر امت اسلامی، ضربه‌ها و جراحت‌هایی وارد می‌سازد. دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی، عرب و عجم، آسیایی و آفریقایی و عمده کردن ناسیونالیسم‌های عربی، تورانی و فارسی، اگرچه به‌وسیله‌ی بیگانگان آغاز شده است اما متأسفانه، امروز به‌وسیله‌ی خودی‌هایی که بر اثر کج‌فهمی و یا نوکری اجانب، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند، ادامه می‌یابد. کار این انحراف‌گاه، به آنجا می‌رسد که برخی از دولت‌های مسلمان، با صرف پول تلاش می‌کنند، میان مذاهب اسلامی یا ملت‌ها و اقوام اسلامی تفرقه ایجاد کنند و یا بعضی از عالم نمایان صریحاً فتوا به کفر بعضی از فرق اسلامی، که سوابق درخشان‌شان در تاریخ اسلام واضح است می‌دهند. ملت‌های مسلمان شایسته است انگیزه‌های خبیث این کارها را شناخته، دست پنهان شیطان بزرگ و ایادی و اذناش را در پشت سر آن ببینند و خیانت‌کاران را افشاء کنند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۲/۰۲/۲۸).

۶-۳-۲. روشنفکران وابسته به قدرت‌های استعماری

روشنفکران وابسته و غرب‌زده یکی از بازوهای قدرت‌های استعماری در جوامع اسلامی هستند (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۷۶-۷۳). در همین راستا، آیت‌الله خامنه‌ای اعتقاد دارد که روشنفکران وابسته به غرب و وابسته در جهان اسلام، شتاب‌دهنده به برخی از ایدئولوژی‌های غیربومی نظیر ناسیونالیسم هستند و به تعبیری دیگر، بسترساز ملی‌گرایی افراطی بوده‌اند؛ «اختلافات قومی و ملی ناشی از ملی‌گرایی افراطی که بیشتر به دست روشن‌فکران وابسته دامن زده می‌شود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۵/۰۲/۰۴).

۶-۳-۳. بی‌توجهی امت به وحدت اسلامی

اگر امت و ملت‌های اسلامی از یکدیگر جدا باشند، اندیشه‌های ناسیونالیسم رشد بیشتری می‌یابد و ضمن رشد خویش، روند جدایی‌ها و افتراق ملت‌ها را شتاب بیشتری می‌دهد. به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای؛ «امروز باید مورد توجه قرار گیرد، عظمت اسلام در قالب امت اسلامی است. درخواست ما از دولت‌های اسلامی این است که نسبت به این مسئله، توجه و عنایت مخصوصی مبذول کنند. به حمدالله ملت‌ها در سال‌های اخیر به مسئله‌ی کلیت اسلام و امت اسلامی توجه پیدا کرده‌اند. نمی‌گوییم اتحاد ملت‌ها، لکن در همه‌ی ملت‌ها در بین مسلمین یگانگی و وحدت و جماعت، محسوس است و نغمه‌ی آن شنیده می‌شود. این امید و آرزو در دل اتحاد مسلمین در اقصی نقاط عالم به وجود آمده است. مهم این است که حکومت‌ها و دولت‌ها هم به آن توجه کنند. این مسئله‌ای است که هر حکومت اسلامی؛ یعنی هر حکومت حاکم بر سرزمینی که در آن مسلمان‌ها هستند، از آن سود می‌برد. یک‌وقت است که در ملت‌های مسلمان، جنبه‌های قومی و ناسیونالیستی و زبان و خون و امثال آن، تقویت می‌شود. بدیهی است که این حالت، نشانگر آغاز جدا شدن بخش‌های امت اسلامی از یکدیگر است. دیدیم که مسئله‌ی فارسی‌گری و ایرانی‌گری افراطی و برگشت به تصورات و افسانه‌های غلط مربوط به نژاد و نسب و خون، چطور در دوران رژیم گذشته در این کشور عمده شد. برای چه؟ این چه فایده‌ای برای ملت ایران داشت؟ جز ضرر هیچ اثر دیگری نداشت. مهم‌ترین ضرر، این بود که به ملت ایران در قبال دیگر ملل اسلامی، منش جدایی‌طلبانه‌ای داد و بین این ملت و سایر ملت‌ها، حالت تقار و طلبکاری ایجاد کرد. عین این مطلب را با ملت‌های عرب هم انجام دادند. عین این مطلب را با بعضی از قومیت‌های دیگر این منطقه هم انجام داده‌اند و می‌دهند. ما مخالفی نداریم که هر قومی، خصوصیات و اختصاصات کشور و ملت خود را، تحت عنوان ملیت برای خودش حفظ کند؛ اما تا حدی که یکپارچگی امت اسلامی خدشه‌دار نشود. این مقدم است؛ این مهم است؛ این در دنیا منشأ اثر است. مع‌الأسف در دنیا قضایایی علیه مسلمین انجام می‌گیرد و در مجامع جهانی، نسبت به آن‌ها بی‌اعتنایی می‌شود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۲/۱۲/۲۲).



شکل ۲: بسترهای رشد ناسیونالیسم افراطی

۶-۴. تهدیدات ناسیونالیسم افراطی برای جامعه دینی

۶-۴-۱. ایجاد تفرقه از طریق ناسیونالیسم افراطی

آیت‌الله خامنه‌ای معتقد هستند سرمایه‌گذاری مادّی و معنوی از سوی قدرت‌های استعماری برای ایجاد تفرقه از طریق ناسیونالیسم و قوم‌گرایی افراطی انجام می‌شود؛ «اقبال ملت‌های مسلمان در همه جای دنیای اسلام-بعضی جاها با شتاب بیشتر و بعضی جاها با شتاب کمتر- به امور معنوی و دینی، روزبه‌روز زیاد شده است؛ اما موضوع وحدت، موضوع یکپارچگی، موضوع یک جهتی دنیای اسلام و موضوع «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»^۱، که قرآن ما را به آن امر می‌کند، متأسفانه، آن‌گونه که باید باشد، نیست و این کار دشمن است. ملت‌های اسلامی مایل به اتّحادند. امّا دشمن تلاش ویژه‌ای برای اخلال در این امر انجام می‌دهد؛ یعنی از طرق مختلف سرمایه‌گذاری مادّی و معنوی مخصوصی برای ایجاد تفرقه می‌کند که بخشی از این سرمایه‌گذاری، مربوط به سابق است و مثل تقویت ناسیونالیست‌های افراطی، از قبل از انقلاب است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۵/۱۱/۲۱). ایشان در جایی دیگر می‌فرماید؛

«دشمن از راه‌های مختلف توطئه می‌کند؛ یکی از راه‌ها، اختلاف‌افکنی است. هرگونه اختلافی، هر جا که باشد، برخلاف نظر اسلام و قرآن است؛ چه اختلافات سیاسی باشد، چه اختلافات قبیله‌ای باشد. اختلافات ایلی و قبیله‌ای هم غلط است. همه مسلمان‌اند، همه فرزندان این مرزوبوم‌اند، همه باهم برادرند؛ چه اختلافی؟ ما اختلافات ناسیونالیستی را در

۱. آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل‌عمران.

سطح دنیا نفی می‌کنیم. ما می‌گوییم ملت‌های مسلمان باید باهم باشند. در میان یک ملت، اقوام و طوایف مسلمان و تیره‌های گوناگون، چه اختلافی باهم می‌توانند داشته باشند؟ این کار شیطان است که بین ما اختلاف بیندازد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۰/۰۵/۳۰).

از این رو، غلیظ کردن احساسات و انگیزه‌های ناسیونالیستی از اهداف استعماری است که می‌تواند در نقاط استراتژیک و حساس و مناطقی که ثروت‌های عمده و مورد نیاز جهان امروز در آنجا ذخیره شده است، آشوب به وجود آورد و همان‌گونه که در کلام آیت‌الله خامنه‌ای آمده است؛ «یکی از هدف‌های ورود استعمار به کشورهای شرقی و اسلامی، فاصله انداختن میان مسلمان‌ها بود. راه‌های گوناگونی را برای ایجاد فاصله میان برادران مسلمان در اقطار اسلامی پیمودند؛ از غلیظ کردن احساسات و انگیزه‌های ناسیونالیستی تا ایجاد و تشدید اختلافات فرقه‌ای. مسلماً نقش حکومت‌های فاسد و دست‌نشانده‌ی استعمار در ایجاد این فاصله، نقش بی‌نظیر و بسیار مؤثری بود. ما امروز در سرتاسر عالم، یک جمعیت حدوداً یک میلیارد نفری را تشکیل می‌دهیم که در نقاط استراتژیک و حساس و مناطقی که ثروت‌های عمده و مورد نیاز جهان امروز در آنجا ذخیره شده، پراکنده شده است. در عین حال، مسلمانان عالم در غالب کشورها- چه کشورهایی که در آن به صورت اقلیت زندگی می‌کنند و چه کشورهایی که اکثریت قاطع و عمده‌ی بدنه‌ی ملت را تشکیل می‌دهند- از لحاظ اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند. این در حالی است که اسلام و آیات کریمه‌ی قرآن، پیروان خود را به انواع کمالات بشری، مانند علم و فضایل اخلاقی و عدالت اجتماعی و عزت و قوت و یگانگی و وحدت و تسلیم نشدن در مقابل تحمیل‌ها سوق می‌دهند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۸/۰۴/۲۲). ایشان در هشدار جدی بیان می‌کنند؛

«دشمنان اسلام و مسلمین می‌خواهند امت اسلام یکپارچه نباشد؛ چون اگر یکپارچه شد، قوی می‌شود، مقتدر می‌شود، در میدان‌های گوناگون هویت‌یابی می‌کند؛ آن وقت کار برای مستکبران جهانی سخت خواهد شد. لذا می‌خواهند جدا کنند. اختلافات مذهبی را راه می‌اندازند، اختلافات قومی را راه می‌اندازند، ناسیونالیسم‌های افراطی را در بین ملت‌ها به جریان می‌اندازند؛ این فارس است، این عرب است، این ترک است، این پاکستانی

است، این کجائی است، این شیعه است، این سنی است؛ این اختلافات را می برجسته می‌کند، می‌درشت می‌کند، برای اینکه بین ما دیوار ایجاد کنند، برای اینکه دو نفر ما را به یکدیگر بدبین کنند تا ما با هم نباشیم، دست‌هایمان در هم گره نشود و یک حرکت عظیم به وجود نیاید» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۰۷/۱۱).

۶-۴-۲. ایجاد منازعات خشن و جنگ‌های نژادی

یکی از مشکلات افراط‌گرایی قومی و ملی‌گرایی منفی، ایجاد منازعات خشن و جنگ‌های نژادی است. آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌کنند: «در این چند قرن گذشته که نگاه می‌کنیم، هیچ وقت اروپا از جنگ خالی نبوده است؛ جنگ‌ها هم عموماً جنگ‌های نژادی و ناسیونالیستی و نژادی است. می‌بینید که چه نژادهای به کلی از هم جدا و مختلفی در این قاره هستند. در نژادهای واحد هم گاهی اوقات دعوای شدیدی هست» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۱/۰۵/۱۹).

این تهدید برای جهان اسلام و جامعه ایرانی هم وجود داشته است تا جایی که دشمنان با بهانه‌های ناسیونالیستی، قومی‌گری و فرقه‌گرایی میان ملت ایران مترصد اختلاف‌افکنی بوده‌اند و تلاش داشته‌اند تا جنگ داخلی راه بیندازند؛ «خرج‌های زیادی کردند برای اینکه بتوانند با بهانه‌های ناسیونالیستی، قومی‌گری و فرقه‌گرایی میان این ملت اختلاف ایجاد کنند و جنگ داخلی راه بیندازند؛ سرمایه‌گذاری و تلاش کرده‌اند تا شاید بتوانند محیط دانشگاه‌های ما را متشنج کنند. این کارها در طول این بیست‌وهفت سال یکی پس از دیگری انجام گرفت؛ اما ملت بزرگ و رشید ما، جوانان هوشیار ما، مردان و زنان بامعرفت و زمان‌شناس ما در تمام این موارد، مشت محکمی به دهان دشمنان ما زدند. آن‌ها می‌خواستند این ملت پُرانگیزه‌ی باایمان پایبند به ارزش‌های دینی و شجاع و دارای ابتکار عمل را به یک ملت وابسته، بی‌هویت، ترسو، مطیع، دنباله‌رو تبدیل کنند؛ برای این کار هم هزینه‌های زیادی کردند؛ و یکی پس از دیگری شکست نصیبشان شد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۸/۱۷).

۳-۴-۶. بحران هویت

آیت‌الله خامنه‌ای اعتقاد دارد که دشمنان تلاش دارند از طریق رشد اندیشه‌های افراطی ملی‌گرایانه، هویت دینی و اسلامی در جوامع اسلامی را متزلزل سازند که این هدف از طریق «از خود گم‌شدگی مسلمانان» به وجود می‌آید. اگر مسلمانان از هویت اصیل خود دور شوند، عزت حقیقی خود را از دست می‌دهند و بسترهای وابستگی آن‌ها فراهم می‌شود (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۴). بر همین اساس است که آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارند «بشر از بحران هویت رنج می‌برد، از بحران معنویت رنج می‌برد، از بی‌احترامی نسبت به سنت‌های بشری رنج می‌برد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۲/۱۰/۲۰). یکی از زمینه‌های ایجاد بحران هویت در جوامع اسلامی، شیوع اندیشه‌های ناسیونالیستی است؛ «افسون تحقیر که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست در آنان نمی‌گیرد. با احساس این عظمت است که دولت‌های مسلمان با تکیه به مردم خود، از تکیه به قدرت‌های بیگانه خود را بی‌نیاز حس می‌کنند و این فاصله‌ی مصیبت‌بار میان ملت‌های مسلمان با دستگاه‌های حاکم بر آنان پدید نمی‌آید. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز و امروز یعنی احیای احساسات افراط‌آمیز ملی‌گرایی این فاصله‌ی وسیع و عمیق میان ملت‌های مسلمان را پدید نمی‌آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و آفریقایی و آسیایی، به‌جای آنکه رقیب و معارض هویت واحده‌ی اسلامی آن‌ها باشد، بخشی از آن و حاکی از سعه‌ی وجودی آن می‌گردد؛ و به‌جای آنکه هر قومیتی، وسیله و بهانه‌ی نفی و تحقیر قومیت‌های دیگر شود، وسیله‌ای برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می‌گردد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۰/۰۳/۲۶).



شکل ۳: تهدیدات ناسیونالیسم افراطی برای جامعه دینی

۶-۵. راهبردهای مقابله با تهدیدات ناسیونالیسم افراطی

۶-۵-۱. پایداری و هوشیاری سیاسی

بصیرت، بینشی برآمده از شناخت صحیح و دقیق، همراه با ایمان و باور یقینی است؛ به شرط آنکه هیجان‌ها، غرایز حیوانی و وسوسه‌های نفسانی و شیطانی در آن اثری نداشته باشند و مصداق حق را درست تشخیص دهد. اهمیت و ضرورت بصیرت را در گذر از فتنه‌ها باید جست‌وجو کرد و هدف از بصیرت، عمق بخشیدن به شناخت‌ها، راسخ کردن ایمان‌ها، مهار کردن خواهش‌های نفسانی و تشخیص مصداق حق، برای تحقق بخشیدن به آرمان همه انسان‌ها؛ یعنی برپایی حکومت عدل‌گستر است. بر این اساس مؤلفه‌های بصیرت عبارت‌اند از: شناخت یقینی، ایمان و باور قلبی، مهار گرایش‌های منفی و تشخیص مصداق حق (برهان، ۱۳۹۰: ۶۵). آگاهی و بصیرت، نقش بسزایی در موفقیت و رسیدن به هدف ایفا می‌کند (کاشانی و باباشاه، ۱۳۹۶: ۲۱۷) و شکی نیست که تمسک به اعمالی که از روی «بصیرت» و فهم باشد بهترین راه برای رسیدن به حقایق و درک مشکلات و معضلات است (حسین زاده و پوریوسف، ۱۳۹۵: ۶۹). بر اساس اندیشه

آیت‌الله خامنه‌ای، بصیرت سیاسی شکوفا شدن توانمندی‌های عقلانیت سیاسی نهفته در وجود انسان است، به‌گونه‌ای که او را به انسانی با درک بالای سیاسی تبدیل کند. مهم‌ترین دستاورد بصیرت و آگاهی سیاسی، گذر از فتنه‌های سیاسی-نظیر ملی‌گرایی و ناسیونالیسم افراطی- به رهبری ولی امر مسلمانان است. ریشه فتنه، اختلاط حق و باطل و لازمه آن اختلاف بین مردم و نتیجه آن اخلال در نظام است. ثمره بصیرت سیاسی اسلامی به‌کارگیری سیاست‌های متدینانه خواص و اطاعت آگاهانه عموم است. بصیرت سیاسی در مواجهه با فتنه، از اصول خاصی پی‌روی می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: رعایت تقوای سیاسی، اطاعت از دستورهای رهبری، روشنگری و افشاگری، برخورد به هنگام و شجاعانه، هوشیاری در برابر فرصت‌طلبان، جدا کردن صف فتنه‌گران از فتنه‌زدگان، تقویت دانش دشمن‌شناسی (مهدوی زادگان و محمدی سیرت، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

ازاین‌رو، مهار فتنه‌هایی نظیر ناسیونالیسم قومی و مذهبی و افراط‌گرایی ملی نیز، رشد بصیرت و آگاهی سیاسی ملت است؛ زیرا بسترساز استقامت در برابر رذیلت‌ها می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌دارند؛ «قرآن می‌خواهد ما را از فشار این تحمیل‌ها خارج کند؛ باید به اینجا برسیم. قرآن را فرا بگیریم، با قرآن انس بگیریم، در مقابل قرآن تسلیم باشیم، برای حرکت به سمت اهداف قرآنی عزم و اراده به خرج بدهیم؛ آن وقت می‌توانیم. اگر یک قدم جلو برویم، خدای متعال به ما نیروی مضاعف می‌بخشد. این آن چیزی است که امروز ملت‌های مسلمان باید این را بفهمند؛ باید این را درک کنند؛ یک قدم برداریم، تجربه کنیم. ما تجربه کردیم؛ ما ملت ایران تجربه کردیم. در مقابل دشمنان اسلام و دشمنان قرآن تسلیم نشدیم، مقاومت کردیم؛ خدا به ما نیرو داد. هرچه بیشتر مقاومت کردیم، نیروی ما بیشتر شد؛ توانایی‌های ما بیشتر شد؛ امید ما به آینده بیشتر شد. این همان نسخه‌ی علاج دنیای اسلام است... اختلاف مذهبی، اختلاف شیعه و سنی، اختلاف عرب و عجم، اختلاف کشورهای گوناگون، اختلاف قومیت‌ها و ملیت‌ها و تعصب‌های ناسیونالیستی، چیزهایی است که دارند در بین جوامع مسلمان مشتعل می‌کنند. باید مقابل این‌ها ایستاد. البته گفتن این حرف‌ها آسان است، عمل کردنش دشوار است؛ لکن راه عمل وجود دارد، راه باز است. عامل اصلی عبارت است از عزم و اراده‌ی ما؛ تصمیم بگیریم؛

بصیرت و عزم دو عامل اصلی است. اولاً بصیرت داشته باشیم، دشمن را بشناسیم، دوست را بشناسیم. امروز در کشورهای اسلامی، کشورهایی هستند که مسئولان آن کشورها دچار خطای باصره‌اند؛ نمی‌توانند دوست را از دشمن تشخیص بدهند. دشمن را دوست خیال می‌کنند، دوست را دشمن خیال می‌کنند؛ خب، انسان ضربه می‌خورد. یک چنین کشوری، با چنین نگاهی، با چنین بینشی، دچار ضربه می‌شود؛ بصیرت لازم است. اگر بصیرت وجود داشته باشد، انسان راه را درست بشناسد، آن وقت عزم و اراده هم به خرج بدهد و نشان بدهد، راه، آسان پیموده خواهد شد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۴/۰۳/۰۲).

با توجه به این مسئله است که ایشان تأکید دارند؛ «امروز امت اسلامی باید احساس بعثت بکند؛ خود را مبعوث بداند؛ آگاهانه و با بصیرت حرکت و اقدام کند؛ بر علم خود اضافه کند، بر توانایی‌های خود اضافه کند، بر انسجام ملی و انسجام بین‌الملل اسلامی خود اضافه کند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۷/۰۵/۰۹). درنهایت اینکه؛

«ملت ایران اهل مسالمت است؛ ملت ایران اهل حلم است؛ وحدت ملت ایران در خدمت منافع عمومی بشریت است؛ امروز آنچه که ملت ایران انجام می‌دهد برای منافع ملی، برای منافع امت اسلامی و برای منافع بشریت است؛ و بدون تردید کمک الهی پشت سر ملت ایران است. مردم ایران با این بصیرت، با این عزم راسخ، با این ایستادگی که در این راه روشن خود نشان دادند و ان‌شاءالله همیشه این را دنبال خواهند کرد، خواهد توانست نه فقط ملت ایران را، ان‌شاءالله امت اسلامی را به اوج قله‌ی افتخار برسانند. راهش این است که این بصیرت را حفظ کنیم؛ راهش این است که اتحاد خودمان را حفظ کنیم؛ راهش این است که مسئولین کشور مصالح کشور را حفظ کنند. این بد اخلاقی‌هایی که دیده می‌شود در برخی از عرصه‌ها و صحنه‌ها از بعضی از مسئولین کشور- که من حالا در آینده خواهم پرداخت به این بد اخلاقی‌ها ان‌شاءالله؛ با مردم حرف خواهم زد- این بد اخلاقی‌ها را بگذارند کنار. ملت یک دل است، مصمم است، فعال است. اگر اختلاف نظری هم در مسائل گوناگون در میان ملت وجود داشته باشد، در مقابل دشمن، در مقابل استکبار، در مقابل کسانی که کمر به ریشه‌کنی این ملت و این نظام بسته‌اند، همه‌ی

مسئولین و آحاد ملت با هم همدست‌اند؛ هیچ اختلافی در این جهت بین آحاد ملت وجود ندارد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۱۱/۱۹).

۶-۵-۲. پذیرش هویت اقوام مختلف در عرصه ملی

بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، سیاست بیگانگان نیز که بر ناسیونالیسم قومی، بدبینی به دیگر اقوام و ایجاد تفرقه استوار است از طریق کثرت‌گرایی قومی خنثی پذیر است. اساسی‌ترین سیاست دشمنان نظام اسلامی در قبال اقوام ایرانی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، نفی یکپارچگی ملی و ایجاد تفرقه میان اقوام به بهانه‌های گوناگون است و دشمنان برای رسیدن به این هدف خود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند. تبلیغات و جنگ روانی یکی از این ابزارها است (مهری و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۵) ایشان تأکید دارند؛ «ما اگر اقوام ایرانی را در میدان رقابت مسابقه‌آمیز به سمت خیرات بیندازیم، بسیار کار خوب و درستی انجام گرفته است. هر قومی از اقوام ایرانی - چه گُرد، چه فارس، چه ترک، چه بلوچ، چه عرب، چه ترکمن، چه لُر - سعی کند با همان روحیه‌ی قومی، در جهت پیشرفت ملی - نه صرفاً پیشرفت قومی - گام‌های بلندتری بردارد. این خیلی چیز عالی است. آن روز در جمع نخبگان سنندج و کردستان - که در یکی از سالن‌های اینجا تشکیل شد - یکی از دوستان گُرد، یک حرف خوبی زد؛ گفت همچنانی که شهید مطهری کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام را نوشته، چقدر خوب است که یک نفری بیاید خدمات متقابل گُرد و ایران را بنویسد؛ خدمات گُردها به ایران، خدمات ایران به گُردها. این خیلی خوب است. مشخص کنید که این قوم برای آرمان‌های ملی و برای آرمان‌های اسلامی، چه گام بلندی می‌تواند بردارد. آن وقت مسابقه قرار بدهید: مسابقه‌ی بین فارس‌ها، گُردها، ترک‌ها، عرب‌ها، لُر‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها؛ این بهترین مسابقه‌ی ملی است. آن وقت معلوم می‌شود که استعدادها چقدر جوشان و خروشان است. این می‌شود یک فرصت. البته دشمن می‌تواند این را تبدیل به تهدید هم بکند که خوشبختانه همه‌تان هوشیارید. دعوای تنگ‌نظرانه و ناسیونالیسم‌های قومی محدود، به‌کلی با دیدگاه اسلام و با دیدگاه بلند و بازی که همه‌ی ما به آن احتیاج داریم منافات دارد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

۶-۵-۳. توسعه احساسات مذهبی

ناسیونالیسمی که مبتنی بر ایمان و احساس دینی باشد، پذیرفتنی است و همان‌گونه که آیت‌الله خامنه‌ای تأکید داشته‌اند؛ «ناسیونالیسم مثبت باید مبتنی بر احساس دینی باشد؛ به این معنا که همواره پروردگار عالم را حاضر و ناظر خویش بداند و همین موضوع، عملکرد ملت را استحکام می‌بخشد. پس باید توجه داشت که «بعضی‌ها از میهن‌دوستی، از احساسات ناسیونالیستی، یا احساسات تشکیلاتی و سازمانی استفاده می‌کنند؛ لیکن واضح شده است که همه‌ی این‌ها در جاهایی لنگ می‌مانند. آن احساسی که همه جا بُرایی خودش را دارد، احساس دینی و احساس حضور در مقابل پروردگار عالم است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۰/۱۱/۰۲). از این‌رو، ایمان دینی و رشد آن در جامعه اسلامی منجر به خنثی شدن ناسیونالیسم افراطی می‌شود؛

«دستاویزهای فکری و عملی از قومیت و ناسیونالیسم تا چپ‌گرایی مارکسیستی و امثال آن از بوته‌ی آزمایش، ناموفق بیرون می‌آیند. ایمان دینی - که ملت به آن سخت پایبند است - به همت مجاهدان صبور و مقاوم به تدریج نقطه‌های روشنی در افق بسته و غم‌آلود پدید می‌آورد و امیدهایی می‌آفریند؛ و در این هنگام، ناگهان خورشید انقلاب اسلامی از مشرق طلوع می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۱/۲۵).

آیت‌الله خامنه‌ای اعتقاد دارند؛ «در دنیا خیلی از کشورها هستند که بالاخره آن احساسات ناسیونالیستی و علائق ملی، مردم را دنبال مدیران راه می‌اندازد؛ اما بین احساس ناسیونالیستی و ایمان عمیق مذهبی، فرق است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۹/۰۶/۰۱).

۴-۵-۶. اتحاد و همبستگی

رمز دقیق‌رهایی از تفکرات جدایی‌طلبانی و ملی‌گرایی افراطی، وحدت و یکپارچگی امت اسلامی است و همان‌گونه که آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارند؛

«اتحاد و یگانگی و وحدت کلمه، شرط اصلی است؛ چه از لحاظ ملیتی یعنی برداشتن این ناسیونالیسم‌ها و ملت‌گرایی‌ها، عرب و عجم و ترک و فارس و بقیه‌ی این قومیت‌ها و ملیت‌ها در سطح جهان اسلام چه از لحاظ مذهبی، که شیعه و سنی و فرق‌گوناگون اهل

تسنن و شیعه، باید اختلافات را کنار بگذارند و با هماهنگی و با تکیه بر نقاط مشترک، آن خواست معنوی را تأمین کنند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۹/۰۲/۲۲).

ایشان در جایی دیگر، وحدت و همبستگی ملت را یکی از ذخایر حقیقی جامعه اسلامی می‌دانند که سد محکمی در برابر جدایی‌طلبی و قوم‌گرایی منفی است. در یکی از سخنرانی‌ها ایشان آمده است: «امروز ملت اسلامی بزرگ ما به این ذخیره نیازمند است. از این ذخیره، دو چیز باید مورد استفاده‌ی مسلمانان قرار گیرد: اول، وحدت و نزدیکی مسلمین است و دوم، توجه به معنویت در دنیای اسلام است. در دنیای اسلام، هر دو عامل تکامل‌بخش و پیش‌برنده، مورد خدشه قرار گرفته است. امروز وحدت مسلمانان با ایجاد تفرقه‌های مذهبی، فرقه‌ای، نژادی، ناسیونالیسم‌های گوناگون، قومیت‌های مختلف و شعارهای انحرافی، مخدوش شده است. مسلمانان بر فراز همه‌ی شعارهای خود چه شعار قومیت، چه شعار مذاهب اختصاصی خودشان، چه شعارهای مربوط به سیاست‌های خودشان باید شعار وحدت و یکپارچگی امت اسلامی را قرار دهند. امروز برای آن‌ها یکی از کارآمدترین شعارها این است. می‌دانیم که استعمار و استکبار و دست‌قوت‌های بیگانه همیشه سعی کرده است با انواع و اقسام حیل، این وحدت را درهم بشکند؛ که یکی از خبیث‌ترین حيله‌ها، حيله‌ی غصب سرزمین فلسطین و کاشتن شجره‌ی خبیثه‌ی صهیونیسم در سرزمین اسلامی فلسطین یعنی در قلب ملت‌های مسلمان و کشورهای اسلامی بوده است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۹/۱۰/۰۷).

۵-۵-۶. بازبایی اصالت‌های دینی و هویت اصیل اسلامی

ناسیونالیسم عامل دفع و جدایی‌ها در جوامع است اما در مقابل آن، بازگشت به اسلام و اعاده هویت اسلامی عامل نزدیکی و همبستگی است. از این رو، «محور، اسلام است. ما باید برای اسلام حرکت کنیم. امروز ایران، مرکز اساسی اسلام است. ایران، ایران اسلامی است. مسلمانان دنیا از هر ملیت و قومیت، امروز چشم به ایران دارند. ناسیونالیست‌ها یکدیگر را دفع می‌کنند؛ ولی در ایران ما و در این سرزمین پاک و مقدس، این چیست که ملت‌های دیگر را به خودش جذب می‌کند؟ این، ایمان و اسلام و مبارزه‌ی در راه هدف‌های بزرگ اسلامی است که بزرگ‌ترین آن، ستیزه‌گری با ظلم و ستم و تلاش در راه

آزادی و عدالت است؛ هیچ چیز دیگری نیست. ملت‌ها مجذوب این چیزهایند. سرباز این مرزوبوم، باید به اسلام پایبند باشد و از بن دندان و از اعماق دل، به آن معتقد و عامل باشد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۹/۰۲/۲۲). آیت‌الله خامنه‌ای اعتقاد دارند؛

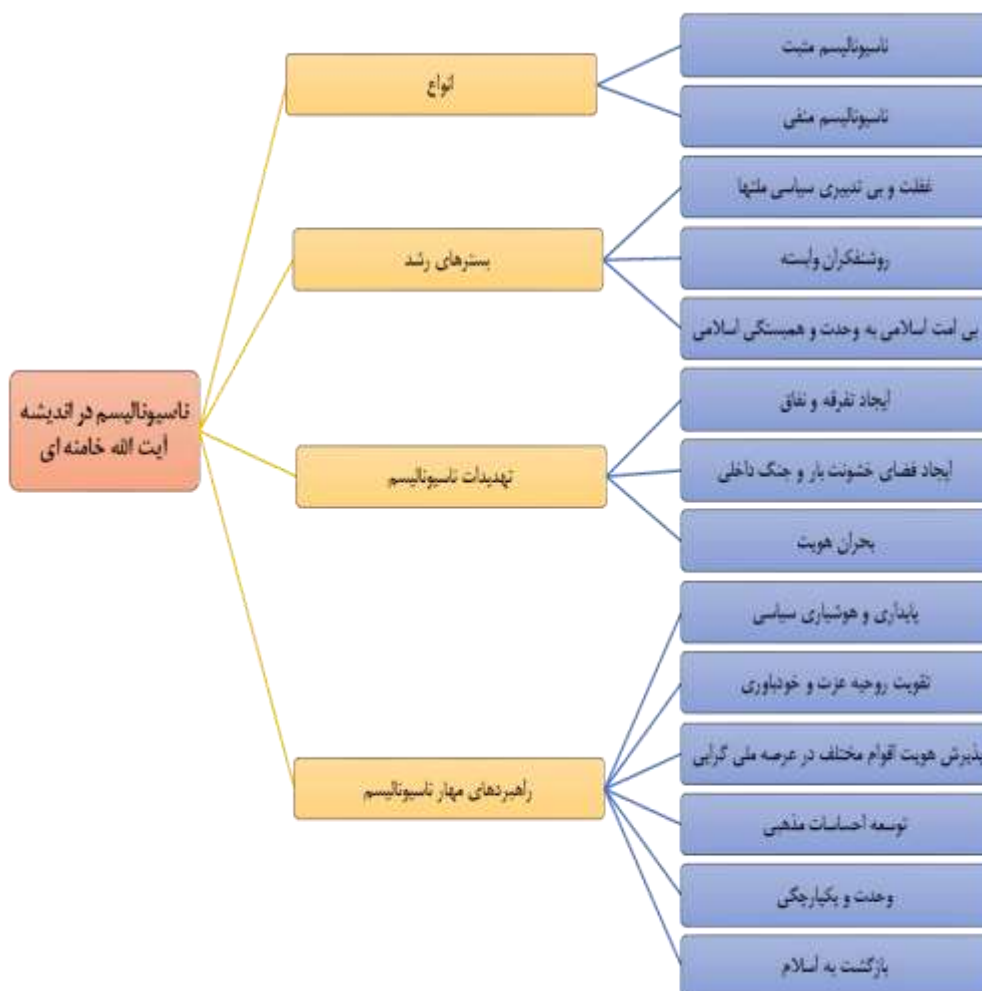
حساس‌ترین بخش‌های جهان اسلام را نهضت بازگشت به اسلام و اعاده عزت و هویت و رهایی فراگرفته است و همه جا شعار «الله اکبر» به گوش می‌رسد. ملت‌های عرب، دیکتاتورهایشان را نمی‌خواهند؛ سیطره دست‌نشانگان و طواغیت را بر خود، دیگر تاب نمی‌آورند؛ از فقر و عقب‌ماندگی و تحقیر و وابستگی به ستوه آمده‌اند؛ سکولاریزم را در سایه‌ی سوسیالیزم و لیبرالیزم و ناسیونالیزم قومی آزمودند و همگی را بن‌بست یافتند؛ و البته ملت‌های عرب به دنبال افراطی‌گری، خشونت مذهبی، بازگشت به عقب، تعصبات فرقه‌ای و قشری‌گری با برچسب اسلام‌گرائی نیز نیستند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

پایبندی به فرامین اسلام و زنده نگاه داشتن هویت اسلامی، زمینه‌ساز بی‌رغبتی مردم به مکاتب افراطی همچون ناسیونالیسم می‌شود. لاجرم، عبور از پیچ تاریخی در گرو، بازگشت به اسلام ناب محمدی (ص) است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۱۱/۱۰). تمسک به اسلام برای اصلاحات سیاسی به جای تمرکز بر ملی‌گرایی، عامل رهایی از نگرش‌های تنگ‌نظرانه نسبت به ملیت و مردم است و تمسک به دین حقیقی و آموزه‌های اسلامی، ظرفیت فراوانی برای مهار ناسیونالیسم فراهم می‌آورد؛

«دیدند در دنیای اسلام، هر گروهی که به دنبال اصلاح محیط، جامعه و کشور خود است، به اسلام متمسک می‌شود. قبل از پیروزی اسلام در ایران، در کشورهای مختلف، گروه‌هایی که می‌خواستند اصلاح‌طلبی را شعار خود بکنند، به مارکسیسم یا به ناسیونالیسم‌های تند متمسک می‌شدند؛ ولی امروز در کشورهای اسلامی که نگاه کنید، روشن‌فکران، جوانان، روحانیون، دانشگاهیان و گروه‌های مختلف مردم، اگر داعیه‌ی اصلاح داشته باشند، متمسک به اسلام می‌شوند. این توانایی و ظرفیت بالای اسلام است. این‌ها را دشمن می‌بیند؛ لذا حساس شده است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۴/۰۵/۲۴).

۶-۵-۶. تقویت روحیه عزت، خودباوری و قدرتمندی در جامعه

احساس ضعف ملی، عاملی برای رسوخ تفکرات افراطی در جامعه خواهد بود و جامعه اسلامی برای رهایی از ملی‌گرایی مورد نظر غرب، باید به تقویت روحیه عزت، خودباوری و قدرتمندی در جامعه همت گمارد. آیت‌الله خامنه‌ای تشریح می‌نماید؛ «قدرت‌های خارجی- مدتی انگلیسی‌ها و مدتی هم روس‌ها و دیگر دولت‌های اروپایی و پس از آن آمریکایی‌ها- ملت ما را تحقیر کرده بودند. ملت ما هم باور کرده بود که قابلیت و لیاقت کارهای بزرگ را ندارد، سازندگی از او بر نمی‌آید، ابتکار از او ساخته نیست و دیگران باید بر او آقایی کنند و به او زور بگویند! بنابراین، روح غرور و افتخار ملی را در ملت ما کشته بودند؛ ولی امام عزیز ما، روح غرور و افتخار ملی را در ملت ایران بیدار و زنده کردند. در همان حال که ملت ما از احساسات و نخوت‌های بیجای ناسیونالیستی- که استکبار عامل آن و رژیم منحوس پهلوی مروجش بود- مبرا هستند، اما احساس عزت و قدرت می‌کنند. امروز ملت ما از دست به دست هم دادن و توطئه‌ی مشترک شرق و غرب و ارتجاع نمی‌ترسند و احساس ضعف هم نمی‌کنند. جوان‌های ما احساس می‌کنند که خودشان می‌توانند کشورشان را بسازند. مردم ما احساس می‌کنند که قدرت و توان آن را دارند که در مقابل تحمیل‌ها و زورگویی‌های شرق و غرب بایستند. این روح عزت و خودباوری و غرور ملی و افتخارات حقیقی و اصیل را امام (ره) در ملت ما زنده کرد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۸/۰۴/۲۳).



شکل ۴: الگوی شماتیک ناسیونالیسم افراطی در جامعه دینی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

نتیجه‌گیری

ناسیونالیسم به‌عنوان ایده‌ای جدید در عصر مدرن، دارای سبقه تاریخی زیادی در روندهای سیاسی دارد اما به‌صورت آکادمیک و ایدئولوژی در اواخر قرن نوزدهم پا به میدان سیاست گذاشت. این جریان که بیشتر خواهان حراست از هویت ملی و داشته‌های ملت‌ها بود، کم‌کم گرایش‌های افراطی و قوم‌مدارانه به خود گرفت که دستاورد آن، افتراق بین ملت‌ها، جنگ‌افروزی‌ها، تشدید جدایی‌طلبی‌های قومی و... شد. به همین منظور، مقاله حاضر

تلاش نمود تا مختصات ناسیونالیسم را از منظر آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار دهد که دستاوردهای این پژوهش به قرار زیر است: اولاً؛ ناسیونالیسم در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در دو دسته مثبت و منفی قرار می‌گیرد؛ ناسیونالیسم منفی بیشتر بر مؤلفه‌های خونی، نژادی، زبانی و... تأکید دارد و در نقطه مقابل، ناسیونالیسم مثبت بر احساسات دینی و روحیه ایمان تأکید دارد. این وجه از ناسیونالیسم مورد تأیید آیت‌الله خامنه‌ای است. ثانیاً، ناسیونالیسم افراطی برای تحقق در جوامع اسلامی نیازمند بسترهای مناسبی برای رشد و نمو است که دشمنان اسلام از آن‌ها بهره می‌گیرند. آیت‌الله خامنه‌ای اعتقاد دارد که غفلت و بی‌تدبیری سیاسی ملت‌ها، روشنفکران غرب‌زده و دل‌بسته به قدرت‌های شرق و غرب، بی‌توجهی حاکمان و ملت‌های اسلامی نسبت به وحدت اسلامی و همبستگی به دولت‌ها در جهان اسلام و غیره منجر به شیوع ناسیونالیسم قومی و افراطی در جهان اسلام می‌شود. ثالثاً، دستاورد رسوخ ناسیونالیسم منفی در جهان اسلام، بحران هویت دینی، ایجاد منازعات خشن و جنگ‌های داخلی جدایی‌طلبانه، تفرقه و دوری امت اسلامی از یکدیگر و... است. رابعاً؛ برای مهار ناسیونالیسم در کلام آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان به مواردی نظیر؛ بصیرت سیاسی و استقامت ملی، تقویت روحیه عزت و خودباوری در جامعه، شیوع کثرت‌گرایی قومی، تقویت ایمان دینی، وحدت و یکپارچگی امت بازگشت به اسلام اشاره کرد.

فهرست منابع:

- اخوان کاظمی، بهرام و الله کرم مشتاقی (۱۳۹۲)، بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۱ (۱). ۳۱-۶۰.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۴)، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید.
- افتخاری، اصغر؛ علیرضا اسدی و ابراهیم نزهت (۱۳۹۳): ناسیونالیسم و هویت ملی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۴ (۱۱). ۱۹-۴۳.
- اقبال، فرشید (۱۳۸۷)، مکتب‌های سیاسی، تهران، سبک‌باران.
- امام خمینی (ره)، سیدروح الله (۱۳۹۱)، اقشار اجتماعی از دیدگاه امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی (ره)، سیدروح الله (۱۳۹۲)، قومیت، ملیت و اندیشه فراملی از دیدگاه امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- بالیبار، اتین (۱۳۹۶)، نژادپرستی و ناسیونالیسم، ترجمه همین برین، نشر پروبلماتیکا.
- برنل، پیتر و ویکی رندال (۱۳۸۷)، مسائل جهان سوم، ترجمه ساعی و میرترابی، تهران، نشر قومس.
- برهان، مهدی (۱۳۹۰)، شاخص‌ها و مؤلفه‌های بصیرت سیاسی، معرفت سیاسی، ۳ (۱). ۶۵-۹۰.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۷)، درآمدی بر ناسیونالیسم در ایران، خط اول، ۲ (۵). ۲۳-۶۳.
- جلایی پور، حمیدرضا و صدیقه نظرعباسی (۱۳۹۱)، ناسیونالیسم قومی و عوامل مؤثر بر آن، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱ (۱). ۱۱۹-۱۴۳.
- حسین زاده، جواد و سیاوش پوریوسف (۱۳۹۵)، بصیرت و کارکردهای آن از منظر قرآن کریم، بصیرت و تربیت اسلامی، بهار، شماره ۳۶. ۶۹-۱۰۲.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸-۱۴۰۴). بیانات از سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۴۰۴.
- خانلری، کارن (۱۳۹۱)، ملت‌گرایی یا ملی‌گرایی؟، پیمان، ۱۶ (۶۲).
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۶۵)، ناسیونالیسم و انقلاب، تهران، دفتر برنامه‌ریزی پژوهش‌های فرهنگی.
- دکمچیان، هرایر (۱۳۷۷)، اسلام در انقلاب، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان.

- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۴۰۲)، هویت ملی ایرانی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی، زمستان، شماره ۴، ۱-۳۴.
- زبیده، سامی (۱۳۹۳)، دین اسلام و ناسیونالیسم، ترجمه فرهاد قربان زاده، پروبلماتیکا.
- سیاوشی، سوزان (۱۳۸۰): لیبرال ناسیونالیسم در ایران، ترجمه قدسی، تهران، انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- شمسنی غیاثوند، حسن؛ صادقی، محسن (۱۳۹۵)، مؤلفه‌های هویت سیاسی در گفتمان مقام معظم رهبری، مطالعات منافع ملی، تابستان، شماره ۴، صص ۷۵-۹۴.
- شهرام نیا، امیرمسعود و نازنین نظیفی (۱۳۹۲)، تعامل و تقابل ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲ (۵). ۱۹۷-۲۱۷.
- طالع، هوشنگ (۱۳۸۹)، ناسیونالیسم ایرانی، تهران، نشر سمرقند.
- عاملی تهرانی، محمدرضا (۱۳۷۷)، جهان به ناسیونالیسم آگاه می‌گراید، تهران، انتشارات حزب پان ایرانیست.
- علیزاده، زهرا (۱۳۹۱)، پیوندهای گفتمان‌های ملی‌گرایی و حقوق شهروندی در عصر قاجار، تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، ۲۲ (۹). ۷۱-۸۶.
- غرویان، محسن و شاکر قوامیان (۱۳۸۰)، ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) از دیدگاه اسلام، معرفت، بهمن، شماره ۵۰.
- فولادوند، عزت‌الله (۱۳۷۷)، خرد در سیاست، تهران، انتشارات طرح نو.
- فیضی‌سرخا، مهدی (۱۳۹۷)، ناسیونالیسم از منظر آیت‌الله خامنه‌ای؛ مفهوم شناسی، تهدیدات و راهبردها، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، تابستان، شماره ۲۷، صص ۸۹-۱۲۵.
- کاشانی، زهرا و فاطمه باباشاه (۱۳۹۶)، رویکردی به مؤلفه بصیرت و معرفت در تبلیغ دین، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، تابستان، شماره ۷۱.
- کافی، غلامرضا (۱۴۰۳)، بررسی پیوند کلیدواژه‌های هویت و هنر در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی، ۲ (۸). ۱۱۹-۱۵۵.

- ملک‌زاده، محمد (۱۴۰۱)، ضابطه‌مندی قاعده تزامم در منافع ملی با مصالح امت اسلامی (با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای)، سیاست متعالیه، بهار، شماره ۳۶، ۲۷۱-۲۹۲.
- مهدوی زادگان، داود و علی محمدی سیرت (۱۳۹۴)، اصول تربیت سیاسی اسلام: مطالعه موردی فتنه سال ۱۳۸۸، معرفت سیاسی، ۷(۱).
- مهری، کریم و دیگران (۱۳۹۳): «سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری»، قدرت نرم، بهار و تابستان، شماره ۱۰.
- هاشمیان فر، علی و دیگران (۱۳۹۱)، واکاوی مفهومی دل‌بستگی ملی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱ (۳). ۱۷۹-۲۰۵.
- Dar, Abdul Maajid (2022): "Revisiting key debates in the study of nationalism", Humanities and Social Sciences Communications, 9.(۴۱۱)
- Kundra, Nakul (2019): "Understanding Nation and Nationalism Available to Purchase" Interdisciplinary Literary Studies, 21(2), PP. 125-149.
- Storozhuk, Svetlana (2016): "Nationalism: problem of definition and interpretation", Visnyk Cherkas'koho universytetu: seriya filosofiya [Bulletin of Cherkasy University].
- Zubaida, Sami (2004): "Islam and nationalism: continuities and contradictions", Nations and Nationalism, 10 (4).